منع از اعتکاف و انزوا و عطلت و اوهام رهبان و عرفاء

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



### لوح رقم (92) امر و خلق – جلد 3

## ٩٢ - منع از اعتکاف و انزوا و عطلت و اوهام رهبان و عرفاء

از حضرت بهاءاللّه در لوح خطاب به ناپلئون است قوله الاعلی : قل یا ملأ الرّهبان لا تعتکفوا فی الکنائس و المعابد اُخرجوا باذنی ثم اشتغلوا بما تنتفعُ به انفُسکم و انفسُ العباد کذلک یاٌمرکم مالک یوم الدّین اعتکفوا فی حصن حبّی هذا حق الاعتکاف لو کنتم من العارفین من جاور البیت انّه کالمیّت ینبغی للانسان اَنْ یظهر منه ما ینفع به العباد و الّذی لیس له ثمرٌ ینبغی للنّار کذلک یعظُکم ربّکم انه هو العزیز الکریم .

و در لوحی است قوله الاعلی : هذا ما اشرقَ من افقِ الامرِ قال و قوله الحق لا تشتغِلْ بعملٍ الّا بعد العلم کذلک قدّر فی اللوح من قبل ان اقرء و کن من العاملین .

و در کلمات فردوسیّه است قوله الاعلی : از جمله عرفای ملّت اسلام بعضی از آن نفوس متشبّث‌اند به آنچه که سبب تنبلی و انزوا است لعمر اللّه از مقام بکاهد و بر غرور بیفزاید از انسان باید ثمری پدید آید انسان بی‌ثمر بفرمودۀ روح به مثابۀ شجر بی‌ثمر لائق نار ، این نفوس در مقامات توحید ذکر نموده‌اند آنچه را که سبب اعظم است از برای ظهور کسالت و اوهام عباد فی الحقیقه فرق را برداشته‌اند حق مقدس از کلّ ... حکیم سبزواری گفته اذُن واعیه یافت نمسشود والّا زمزمۀ سدرۀ طور در هر شجر موجود در لوح یکی از حکماء که از بسیط الحقیقه سؤال نمود به حکیم مذکور مشهور خطاب نمودیم اگر این کلمه فی الحقیقه از تو بوده چرا ندای سدرۀ انسان را که از اعلی مقام مرتفع است نشنیدی اگر شنیدی حفظ جان و خوف تو را از جواب منع نمود چنین شخص قابل ذکر نبوده و نیست و اگر شنیدی از سمع محروم بودۀ باری در قول فخر عالم‌اند و در عمل ننگ امم ... ولکن این مظلوم حکماء را دوست داشته و میدارد یعنی آنان که حکمتشان محض قول نبوده بلکه اثر و ثمر در عالم ازیشان ظاهر شده و باقی مانده بر کلّ احترام آن نفوس مبارکه لازم طوبی للعاملین و طوبی للعارفین ... اهل ایران از حافظ و معین گذشته‌اند و به اوهام جهلاء متمسّک و مشغول بشأنی باوهام متشّبث‌اند که فصل آن ممکن نه مگر بذراعَی قدرت حق ... از حق بطلب تا حجبات احزاب را به اصبع اقتدار بردارد .